



۲۰۱۷/۰۷/۲۶

داؤد موسی

یک سؤال بسیار وارد

این نوشته مؤجز را با فهم این که سایت (آیانا افغانستان آن لاین) عادت به نشر نوشته های کوتاه ندارد، توکلی و به امید اینکه استثنائی در کار باشد، برای شان می فرستم.



طوری که از راپور های رسانه های بین المللی بر می آید، درین اواخر موضوع شناخت گروه طالبان من حیث یک بازی کن عمده در حل معضله افغانستان - که ناشی از پیشرفت های نظامی اخیر شان در داخل کشور می باشد، شدت گرفته است. اگر این ادعاء را از

نظر کرونو لوژی معکوس (از گذشته نزدیک به گذشته دور) مرور نماییم، دیده می شود که دولت چین درین اواخر اقدامات خود را برای حل موضوع افغانستان از طریق مذاکرات (با طالبان) جدی تر ساخته است. به درجه دوم راپور های مساعدت های مقامات روسیه به طالبان در صفحات شمال کشور نیز از مدت بیشتر از یک سال بگوش میرسد.

از جانب دیگر دولت ایران نیز علی الرغم مخالفت های شدید مذهبی که با طالبان داشت و دارد، به اصطلاح "از بغض معاویه، و نه از حُب علی" - که اول الذکر دولت امریکا باشد، از سالها به این طرف با طالبان مساعدت در مورد تهیه سلاح و غیره نموده است. بالاخره دولت پاکستان که در حقیقت واجد گروه طالبان و باعث دوام آنها در کشور ما بوده است، از شبی که با اول خواب احیاء مجدد "عمق ستراتیژیک" را دیده است، لحظه ای از هیچ گونه مداخله در بی موازنه ساختن دولت افغانستان و حمایت از "طالبان خوب" خود داری ننموده است. البته می توانیم درین گروه یک تعداد دول اسلامی از قبیل قطر و غیره اشخاص منفرد را نیز مشمول بدانیم. اما یگانه بازیگر مهمی که تا حال در قبال موقوفش در جنجال افغانستان خاموش نشسته و آن را علی الرغم وعده های مکرر بر ملا نساخته است، دولت امریکا می باشد.

موضوع قابل ذکر درین مورد اخیر این که یک عده از مشاورین داندل ترمپ (از قبیل جارد کُشنر داماد ترمپ و مشاور ارشد قصر سفید، ماتیس وزیر دفاع و مک ماستر مشاور امنیت ملی) وی در صدد اند تا رئیس جمهور را از مداخله فراتر در جنگ افغانستان باز دارند. دلیل آنها اینکه جنگ افغانستان (که در تاریخ آن کشور دراز ترین جنگ بوده) بعد از این همه تلاش ها و مخارج پانزده ساله به کدام نتیجه مثبتی نه انجامیده است. اما دو نفر مشاور دیگر ترمپ (فاینمن رئیس کمپنی داین کور و سباستین گورکا) ترمپ را به دلیل اینکه افغانستان دارای ثروت زیر زمینی

به ارزش یک تریلیون دلار شامل معادن بسیار کمیاب - از قبیل که لیتیم و غیره بوده که در تکنالوژی امروزی به مواد مذکور ضرورت مبرم افتاده است، و معادن فوق الذکر حالا در معرض خطر افتادن به چنگ حریفان چینی شان می باشد، داندل ترمپ را تشویق به پیش دستی و مداخله بیشتر در جنگ افغانستان می نمایند. تیلرسن وزیر خارجه در حالی که به مداخله فراتر موافق است، اما نظر به بعضی ملحوظات بخصوصی در مخمصه میباشد.

گفته می شود که داندل ترمپ موضوع استخراج معادن افغانستان را با آقای اشرف غنی نیز در میان گذاشته و اخیر الذکر که در یک سال و اندی از فرمانروایی اوپاما به دلیل نبودن امنیت، زیر بناء و وجود فساد به استخراج معادن چندان توجهی ننموده بود، باز هم همین دلیل را ذکر نموده بود. اما دو نفر از مقربین ترمپ (یکی اریک پرنس رئیس مؤسسه بلک واتر و دیگری ستیفن فاینمن رئیس شرکت داین کور که شرکت وی تجربه زیادی در امور امنیت در افغانستان داشت) به رئیس جمهور ترمپ توصیه کرده بودند که بجای سپردن امر تأمین امنیت معادن افغانستان به قوای دولتی، بهتر است تا قرار داد های استخراج معادن افغانستان را به سکتور خصوصی بدهد. اخیر الذکر این را نیز اطمینان داده بود که شرکت وی ضامن گرفتن امنیت در مناطق حاوی معادن مورد نظر (ولایت هلمند) خواهد بود. اما این نظر توسط وزیر دفاع امریکا به عین دلائلی که آقای اشرف غنی داده بود رد گردید.

پس موضوع معادن افغانستان - اگر حقیقت داشته باشد، آب به آسیاب آنهایی که از مدتها از نیت سوء امریکا در قبل معادن سرشار افغانستان هشدار میدادند (از قبیل کابل نیوز و غیره). می ریزد.

عقیده این نویسنده براین است که اگر هر کشور فقیر جهان در قبال پیشنهاد یک کشور دیگر به منظور استخراج معادن کشور اولی، آنهم به طوری که منفعت هر دو جانب در نظر باشد، جواب منفی بدهد، در آن صورت تمام معادن دنیای فقیر الی الابد به شمول حالت فقر شان به حالت بکارت و دست نخورده خواهد ماند. بالعکس اگر توافق بر میناء منفعت هر دو جانب صورت بگیرد، در آن صورت بر علاوه تدارک کار برای هزاران نفر و ایجاد زیر بناها، کشور فقیر از لحاظ قیمت مواد مستخرجه نیز به نوایی رسیده می باشد.

درین مقطع سؤالی که می خواهم جواب آن را اقتراحاً از نویسندگان و متفکرین بهتر از خود بخواهم اینست که اگر احیاناً دولت امریکا روندی را که قدرت های خورد و بزرگ منطقه روی دست گرفته اند نپذیرفته و برای حفظ جای پای خدا دادی که بعد از واقعه ۱۱/۹ برای خود درین نقطه مهم ستراتیژیک دنیا بدست آورده است، ادامه جنگ علیه طالبان را پیشه خود بسازد، در عصر دُرون (طیاره های بی پیلوت) در صورتی که طالبان، شبکه حقانی یا داعش موفق به تسخیر کلی یکی از ولایات افغانستان نیز گردند، آیا این فاتحان می توانند که والی، قوماندان عسکری یا قوماندان پولیس خود را در مقر ولایت همان محل به کرسی بنشانند؟ ما در حین جنگی که به سقوط شهر کندز انجامید دیدیم که عمال حکومت، عسکری و پولیس طالبان جرأت نکردند که بر مسند سیالان دولتی بنشینند، بلکه همه شان در چند روز مختصری که کنترول شهر به دست شان بود، از خفا قومانده می دادند.

می خواهم بدانم که اگر جواب این سؤال بزعم عده ای مثبت باشد، دلیل آن را در یابیم، و اگر نباشد، به غیر از دوام همین حالت کشت و خون بیگناهان، رکود اقتصادی و ده ها بدبختی دیگر راه دیگری برای نجات وجود دارد یا خیر؟ البته طوری که گفتیم، این سناریو در صورتی تحقق می یابد که امریکا با دست اندر کاران دیگر "راه نرود". و اگر خدای ناخواسته امریکا نیز همفکر دیگران باشد، پناه ما تنها بر ذات خداوند جل جلاله خواهد بود و بس. الله یاور.